

فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت

Journal of New Research Approaches in Management Science

سال دوم. شماره یازدهم. بهار ۱۳۹۸، صص ۴۵۵-۴۴۳ Vol 2. No 11. 2019, p 443-455

ISSN: (2588-5561)

شماره شاپا (۲۵۸۸-۵۵۶۱)

عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده

الهام سیدآقاپور

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازرگانی داخلی

چکیده

در ایران، علیرغم تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر برای توسعه نظام مالیاتی، هنوز نظام مالیاتی کشور با چالش‌های زیادی روبرو است. سهم پایین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، نسبت پایین مالیات به هزینه‌های جاری دولت، نسبت پایین مالیات به بودجه عمومی کشور و سرانجام گستردگی معافیت‌های مالیاتی و غیره جملگی از نقش ضعیف مالیات در اداره امور کشور و همچنین تأثیر اندک آن در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی حکایت دارند. از آنجایی که سرعت عمل و همچنین کوشش سازمان مالیاتی در جمع‌آوری مالیات‌ها از شاخص‌های مهم کارایی نظام مالیاتی است؛ وقفه در اجرای فرایند تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی به عنوان یک عامل منفی در ارزیابی عملکرد نظام مالیاتی تلقی می‌شود. با توجه به مطالب مطرح شده و مطالعات گسترده در زمینه عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی از بعد غیرقانونی، پژوهش حاضر بر آن است تا به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده پردازد. در حقیقت، پژوهش حاضر بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که عوامل مؤثر بر وقفه‌های مالیاتی کدامند و میزان تأثیر این عوامل به چه صورت است؟ برای پاسخ به این پرسش اطلاعات کلان کشور ایران طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۷ بدست گردآوری شد و به بررسی تأثیر هزینه صرف شده دولت برای درمان، توسعه شهرنشینی، درآمد، تورم و فساد مالی بر وقفه مالیاتی پرداخته شد. نتایج نشان دادند که وقفه مالیاتی تحت تأثیر فاکتورهای عنوان شده قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: هزینه صرف شده دولت برای درمان، توسعه شهرنشینی، درآمد، تورم، فساد مالی، وقفه مالیاتی

مقدمه

یکی از مهمترین روش‌های تامین مخارج دولت، جمع آوری و وصول انواع مالیات‌ها است. صاحب نظران اقتصاد و توسعه معتقدند که کسب درآمدهای مالیاتی به منظور تامین هزینه‌های دولت، شاخص‌های نامطلوب اقتصادی همچون تورم، بیکاری و غیره را بهبود می‌بخشد. در کشورهای جهان سوم، سهم درآمدهای مالیاتی دولت از تولید ناخالص ملی رقم بسیار ناچیز می‌باشد و سهم پرداخت‌های دولت نسبت به تولید ناخالص ملی، همواره بیش از سهم مالیات استاز دیدگاه دولت، مالیات یکی از موضوعاتی است که برای دولت با اهمیت است، چون درآمد مالیاتی یکی از درآمدهایی است که بیشتر هزینه‌های عمومی را پوشش می‌دهد. مالیات به عنوان منبع مهمی از درآمد دولت برای پوشش هزینه‌ها و ابزار مالی جهت اعمال تصدی و هدایت مطرح گردید. از دیدگاه مالیات‌دهندگان، به ویژه شرکت‌ها، مالیات یک بار مسئولیتی هم برای شرکت و هم برای ذینفعان است. از آنجا که مردم نسبت به پرداخت مقدار زیادی از مالیات به مقامات مالیاتی تردید دارند، آنها استراتژی‌های مالیاتی را برای به حداقل رساندن، رفع و یا به تعویق انداختن بدھی مالیاتی به کار می‌گیرند (بحری ثالث، ۱۳۹۳).

در ایران، علیرغم تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر برای توسعه نظام مالیاتی، هنوز نظام مالیاتی کشور با چالش‌های زیادی روبرو است. سهم پایین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، نسبت پایین مالیات به هزینه‌های جاری دولت، نسبت پایین مالیات به بودجه عمومی کشور و سرانجام گستردگی معافیت‌های مالیاتی و غیره جملگی از نقش ضعیف مالیات در اداره امور کشور و همچنین تأثیر اندک آن در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی حکایت دارند. از آنجایی که سرعت عمل و همچنین کوشش سازمان مالیاتی در جمع آوری مالیات‌ها از شاخص‌های مهم کارایی نظام مالیاتی است؛ وقهه در اجرای فرایند تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی به عنوان یک عامل منفی در ارزیابی عملکرد نظام مالیاتی تلقی می‌شود. ویتوتازی، وقهه‌های مالیاتی یا تأخیر در جمع آوری مالیات‌ها را بعنوان فاصله زمانی که طی آن مالیات باید پرداخت شود، با زمانی که مالیات واقعاً پرداخت می‌شود، تعریف می‌کند. وی بر همین اساس تأخیر در پرداخت مالیات را به دو بخش قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌کند. منظور از وقهه‌های قانونی، فاصله زمانی بین موعد مقرر قانونی پرداخت مالیات با زمان تحقق درآمد مشمول مالیات است. وقهه‌های غیرقانونی در وصول به موقع درآمدهای مالیاتی مربوط به دو انگیزه تلاش مودیان مالیاتی در جهت گریز مالیاتی و به تعویق انداختن پرداخت بدھی‌های مالیاتی و استفاده از منافع حاصل از این تأخیر به ویژه در شرایط تورمی است (زمانی و کلانتری، ۱۳۷۸).

با توجه به اهمیت پرداخت مالیات، مطالعات مختلف به بررسی نقش فاکتورهای مختلف بر وقهه مالیاتی و نیز اثر وقهه مالیات بر اقتصاد پرداختند. از جمله آلینگام و ساندمو (۱۹۷۲)، اسپایسر و لادستل (۱۹۷۶)، بکر و همکاران (۱۹۸۷) و تورگلر (۲۰۰۳) نشان دادند که باز مالیاتی، سطح درآمد، منبع درآمد، حسابرسی مالیاتی، نرخ مالیات، مجازات، جنسیت، وضعیت تأهل، خدمات عمومی، سیستم مالیاتی، معنویت مالیاتی و

روحیه مالیاتی از عوامل تأثیرگذار بر وقفه مالیاتی هستند. نک و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی این مطلب پرداختند که چگونه وقفه غیرقانونی مالیات بر اقتصاد سایه‌ای تأثیر می‌گذارد همچنین به ارزیابی تأثیر پیچیدگی مالیاتی بر شدت این رابطه پرداختند. ایپولا و اسیوه (۲۰۱۲) به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در نیجریه پرداختند. عوامل شناسایی شده عبارتند از ابزار ضعیف، عدم وجود سازمان‌های ذیربط کافی برای جمع آوری مالیات، پشتیبانی مالی ضعیف و مسیرهای نامناسب برای رسیدن به مکان پرداخت مالیات. هویوان (۲۰۱۲) به ارزیابی وقفه مالیاتی در شرکت‌های بنگلادش پرداخت و نشان داد که ضعف سیستم دریافت مالیات مهمترین علت پدیدار شدن وقفه مالیاتی است. آلبیدی و همکاران (۲۰۱۱) به ارزیابی نگرش مودیان مالیاتی و تبعیت مالیاتی در نیجریه پرداختند و نشان دادند نگرش افراد بر رفتار تبعیت مالیاتی مودیان تأثیرگذار است. مطالعات انجام شده توسط گالالانا (۲۰۱۳)، ریچارد (۲۰۱۳)، ماریا و جودیز (۲۰۱۳) نشان دادند که بین نرخ مالیات و مالیات‌گریزی رابطه مثبت وجود دارد در حالیکه، نانو (۲۰۱۳)، فازینا و همکاران (۲۰۱۳) و آدیسیسی و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که این رابطه منفی است. مطالعات انجام شده توسط جان و اسلیمرود (۲۰۰۸) و الم و مک کی (۱۹۹۲) نشان دادند که افزایش سطح درآمد منجر به کاهش سطح مالیات‌گریزی می‌شود. علاوه بر این، مطالعات از سطح درآمد به عنوان عاملی تأثیرگذار بر مالیات‌گریزی یاد کردند. پیتر و ایفا (۲۰۱۳) نشان دادند که رابطه مثبت بین سطح آموزش و مالیات‌گریزی وجود دارد بالعکس، دیواس (۲۰۰۶) و نوازیا و همکاران (۲۰۰۶) این رابطه را منفی داشتند. مطابق با نظر آکینومی و اوکپلا (۲۰۱۳) بیان داشتند که فساد اداری از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر وقفه مالیاتی است. لیرمن (۲۰۰۲)، پاسهیو (۲۰۰۵)، فلیلیپس (۲۰۰۸) و براتیگام و همکاران (۲۰۰۸) بیان داشتند که در صورتی که ارائه خدمات توسط دولت کیفیت لازم را نداشته باشد، مودیان تمایلی به پرداخت مالیات نخواهند داشت. از طرف دیگر، عدالت در ک شده از سیستم مالیاتی موجود می‌تواند بر رفتار مالیات‌گریزی مودیان مالیاتی تأثیرگذار باشد (پوپلا، ۲۰۰۹).

با توجه به مطالب مطرح شده و مطالعات گسترده در زمینه عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی از بعد غیرقانونی، پژوهش حاضر بر آن است تا به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده بپردازد. در حقیقت، پژوهش حاضر بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که عوامل مؤثر بر وقفه‌های مالیاتی کدامند و میزان تأثیر این عوامل به چه صورت است؟

پیشینه نظری تحقیق

مفهوم و اهمیت مالیات می‌تواند به عنوان اجباری توسط مقامات مالیاتی در مورد درآمد، هزینه، ثروت یا افراد که به ازای آن هیچ چیز توسط مالیات‌دهنده‌گان به طور مستقیم یا به طور خاص دریافت نمی‌شود، تعریف شود از جمله راههای بسیاری که دولت‌ها می‌توانند درآمد کسب کنند، درآمد مالیاتی است که به عنوان مهمترین منبع مالی برای هزینه‌های دولتی به رسمیت شناخته شده است با این حال، تأثیر مالیات در

اقتصاد و جامعه گسترد و عمیق است؛ افزایش مالیات گاهی به دولت سود نمی‌دهد، بلکه اقتصاد و جامعه را به خطر می‌اندازد. این ناشی از اثر درآمد و اثر جانشینی است. اثر درآمد به این معنی است که تغییرات در توان مخارج مالیات دهنگان به دلیل تأثیر مالیات اتفاق می‌افتد و اثر جانشینی به این معنی است که، تغییرات قیمت به دلیل مالیات ممکن است منجر به تغییر رفتار مصرف کنندگان در انتخاب‌هایشان شود. ترکیبی از اثر درآمد و اثر جانشینی منجر به ایجاد بار مالیاتی بیش از حد می‌شود (رسمی و کتابی رودی، ۱۳۹۲). مالیات‌ها تنها به عنوان یک منبع مهم درآمد دولت مطرح نیستند، بلکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی دولت محسوب می‌شوند. به کارگیری یک سیستم مالیاتی مناسب دارای شرایطی است که از مهمترین آن‌ها عدالت و کارایی است. اصل عدالت مالیاتی اقتضا می‌کند که افراد با توانایی‌های یکسان به یک میزان مالیات پرداخت کنند و افرادی که به لحاظ توانایی پرداخت در شرایط متفاوتی قرار دارند به میزان متفاوت در تأمین مالی هزینه‌های عمومی مشارکت نمایند. برقراری نرخ‌های مالیاتی تصاعدی با توجه به اصل توانایی پرداخت، قابل توجیه است. این اصل با ملاحظات توزیعی و عدالت اجتماعی سازگارتر است. مالیات بر مصرف با اصل فایده و مالیات بر درآمد با اصل توانایی پرداخت تعییق دارند. در خصوص کارایی مالیاتی مسئله حائز اهمیت این است که اقدام دولت برای کسب درآمد مالیاتی اثرات و عوارض جانبی را همراه خواهد داشت. در یک نظام اقتصادی گسترد و پیچیده، انواع مالیات‌ها اثرات جانبی متفاوت می‌توانند داشته باشند. بنابراین، مالیات باید به نحوی وضع شود که کمترین اثرات اختلالی را در سیستم اقتصادی بر جای بگذارد. مهم‌ترین اثر اختلالی مالیات‌ها تغییر رفتار عاملین اقتصادی است. البته از این مسئله می‌توان در جهت تصحیح رفتار عاملین اقتصادی و هدایت آن‌ها به سمت عملکرد مطلوب نیز استفاده نمود. اثرات جانبی مالیات شامل اثرات تخصیصی و توزیعی مالیات است. در ادبیات اقتصادی کوشش‌های فراوانی شده است تا در قالب تجزیه و تحلیل عمومی این اثرات تشخیص داده شود. آثار تخصیصی و توزیعی هر مالیات را به واسطه سه اثر درآمدی (اثر تقاضائی)، اثر جانشینی و اثر ستادهای می‌توان تشخیص داد. البته این سه اثر الزاماً با هم همراه نمی‌باشند و برای بعضی از انواع مالیات‌ها یک یا دو یا هر سه اثر ممکن است صفر باشد (هزبرکیانی و محمدی، ۱۳۸۸).

وقفه مالیاتی یک واقعیت ثابت شده در مورد مالیات بر درآمد در همه کشورها وجود وقه در جمع آوری مالیات است. شواهد تجربی گسترد در همه کشورها برای وجود وقهه مجموعه در مقوله‌های اصلی درآمد دولت وجود دارد. علاوه بر این، در میان دسته‌های درآمد، شواهد نشان می‌دهد که تنوع گسترد ای در وقهه جمع آوری وجود دارد. اهمیت تأثیرات ناشی از وقهه جمع آوری نیز به تازگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً با تمرکز بر روی (۱) برآورد اثرات تحریب درآمد تورم در مدل استاندارد مالی تورمی که در آن اثبات شده است که فرسایش واقعی درآمدهای مالی ناشی از وقهه جمع آوری، هرچند در کشورهای مختلف متغیر است، سود حاصل از مالیات، تورم را متعادل می‌سازد، بنابراین به شدت استفاده از آن در تولید منابع دولتی محدود می‌شود. تجزیه و تحلیل نرخ بهینه نرخ رشد پولی در زمانی که وقهه

جمع آوری مالیات در سیستم مالیاتی وجود دارد و دولت از مالیات بر تورم برای حمایت از سرمایه‌گذاری برای افزایش رشد استفاده می‌کند که نشان می‌دهد که هزینه‌های حاشیه‌ای برای استفاده از مالیات تورمی بالاتر از آن است که بدون وقفه جمع آوری باشد تحقیق در مورد طراحی مطلوب ابزار مالیاتی با استفاده از مالیات بر تورم و مالیات بر کالاهای در زمان وقفه مالیاتی، که در آن استدلال تانزی (۱۹۷۸) چالش برانگیز است که بیان می‌کند مالی تورمی ممکن است منجر به ضعف مالی می‌شود زمانی که تورم و وقفه جمع آوری بالا، ارزش واقعی درآمد مالی را کاهش می‌دهد؛ حضور وقفه جمع آوری، بر اضافی مالیات بر درآمد و وابستگی بیشتر به زیان‌های موجود را نسبت به زمانی که وقفه وجود ندارد، افزایش می‌دهد؛^۴ بازبینی مطلوبیت مالیات تورم در صورت عدم وجود وقفه جمع آوری که به وسیله دیکسیت (۱۹۹۱) ادعا می‌شود، نشان می‌دهد که بسته به اندازه نسبت هزینه و مشخصات تابع هزینه جمع آوری، ممکن است وقفه افزایش یابد، بدون تغییر باقی بماند یا نرخ تورم مورد نظر را کاهش دهد (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۸۷).

پیشینه تجربی تحقیق

— آمیا و دساکا (۲۰۱۶) به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی پرداختند. با اشاره به نقش پرنگ درآمد مالیاتی در اقتصاد کشورها و درآمد دولت و این مطلب که عدم دریافت به موقع مالیات منجر به تحمل هزینه‌های گرافی به دولت می‌شود، به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی که به دلیل عدم تبعیت مالیاتی مودیان اتفاق می‌افتد، پرداختند. نمونه مورد بررسی آنها کشور قنا بود. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چندگانه استفاده کردند. نتایج نشان دادند که عوامل جمعیت‌شناختی، عوامل اداری و عوامل اقتصادی تأثیر بسزایی بر وقفه مالیات دارند.

— منصور و گراما (۲۰۱۶) به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی پرداختند. آنها با اشاره به این امر که وقفه مالیاتی مشکلی است که در طول زمان در تولید درآمد کشورهای در حال توسعه وجود داشته است که در نهایت می‌تواند خدمات عمومی، توانایی و عملکرد مناسب را تضعیف کند، به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی در نیجریه پرداختند. آنها برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده کردند و داده‌ها از ۳۰۳ مودی مالیاتی به صورت تصادفی گردآوری شد. نتایج تحلیل نشان دادند که سیستم مالیاتی، سطح درآمد و سطح تحصیل رابطه مثبت و معناداری با وقفه مالیاتی دارد و از طرف دیگر، نرخ مالیات و فساد اداری رابطه معناداری با وقفه مالیاتی ندارد.

— کایری و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی پرداختند. آنها با اشاره به این مطلب که وقفه مالیاتی غیرقانونی تحت تأثیر ویژگی‌های خاص یک کشور قرار دارد و شناسایی فاکتورهای مؤثر بر وقفه مالیاتی به دولت در تصمیمات مهم مالیاتی کمک می‌کند، به شناسایی نقش فاکتورهای مؤثر بر وقفه مالیاتی پرداختند. آنها پس از مرور تحقیقات انجام شده در این زمینه و بررسی

اطلاعات کشورهای مختلف دریافتند که نرخ مالیات، احتمال حسابرسی و نرخ جرمیه از جمله مهمترین فاکتورهای مؤثر بر وقفه مالیاتی هستند.

– آکینیامی و اوکپالا (۲۰۱۳) در پژوهش خود به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی پرداختند. آنها با اشاره به این مطلب که پدیده وقفه مالیاتی می‌تواند صدماتی را به عملکرد مناسب بخش دولتی وارد کند و تهدیدی برای توانایی دولت در کنترل هزینه‌ها باشد، به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی در نیجریه پرداختند. آنها برای جمع‌آوری داده‌های اولیه از ۱۲۰ کسب‌وکار کوچک پرسشنامه گردآوری کردند. نتایج تحلیل نشان داد که کیفیت جمع‌آوری مالیات می‌تواند از وقفه مالیاتی در نیجریه جلوگیری کند.

– حمیدی و همکاران (۱۳۹۴) با اشاره به این مطلب که درآمد مالیاتی یکی از مهمترین راه‌های تأمین منابع دولت است و اما تحقق این درآمد با وجود فرار مالیاتی دچار اختلال می‌شود و از پیامدهای فرار مالیاتی، کاهش درآمد مالیاتی و در نتیجه کسری بودجه دولت است. گسترش پدیده فرار مالیاتی خود معلوم عواملی است. جرایم مالیاتی به عنوان یکی از ابزارها، از سوی قانون‌گذار برای برخورد با متخلفان مالیاتی وضع شده است. هدف از این تحقیق بررسی جایگاه جرایم مالیاتی در جلوگیری از فرار در نظام مالیات بر ارزش افزوده در استان قزوین بود. ابتدا جایگاه جرایم مالیاتی و عوامل مؤثر بر کاهش فرار مالیاتی با استفاده از ادبیات تحقیق، نظر خبرگان و مؤیدان مالیات بر ارزش افزوده از طریق ۱۲۰ پرسشنامه در مرحله اول شناسایی و سپس با بهره‌گیری از نظرات ۱۰ خبره و با استفاده از تکنیک دیمیتل فازی، رابطه‌های ممکن و شدت تأثیر روابط و اهمیت هریک از عوامل مشخص شده است. نتایج نشان دادند جرایم مالیاتی از دیگر عوامل مؤثر بر کاهش فرار مالیاتی اثر می‌پذیرد ولی بر هیچ یک از شاخص‌ها اثر نمی‌گذارد و نسبت به شاخص‌های دیگر از کمترین وزن برخوردار است و آخرین رتبه را به خود اختصاص داده است.

با توجه به مبانی نظری، فرضیات پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

– سطح درآمد بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

– توسعه شهری وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

– فساد اداری بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

– کیفیت خدمات درمانی بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

– نرخ تورم بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کشور ایران است. نمونه مورد بررسی شامل اطلاعات کشور ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۶ است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده نمونه‌گیری طبقه‌ای بوده است. برای گردآوری داده‌ها

از پرسشنامه استفاده شیرای آزمون فرضیه پژوهش، ابتدا پایایی و قابلیت اعتماد پرسشنامه‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد. این ضریب برای تمام متغیرهای مدل مفهومی پژوهش بیشتر از ۰/۷ به دست آمد؛ رقم به دست آمده اعتبار و سازگاری درونی مناسب سازه‌های پژوهش را نشان می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱. آلفای کرونباخ متغیرها

| متغیر | آماره آزمون | معناداری |
|-------|-------------|----------|
| CORR | ۱۲/۴۵۵ | ۰/۰۰۰ |
| GHE | -۹/۰۸۵ | ۰/۰۰۰ |
| GDP | -۵/۳۰۹ | ۰/۰۰۰ |
| INF | -۷/۹۰۷ | ۰/۰۰۰ |
| LAG | -۷/۰۶۳ | ۰/۰۰۰ |
| REVEN | -۶/۵۲۵ | ۰/۰۰۰ |
| VAT | -۹/۳۲۱ | ۰/۰۰۰ |
| UR | -۲/۹۷۶ | ۰/۰۴۰ |

یافته‌های تحقیق

سنجهش هم خطی بین متغیرهای مستقل

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می‌باشد. در صورت وجود هم خطی، ضرایب برآورده الگو دارای خطای معیار بالای خواهد بود و در نتیجه این مسأله باعث می‌شود که تعداد متغیرهای معنی‌دار در معادله کاهش یابد. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی می‌باشد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرها

| متغیر | تلورانس | عامل تورم واریانس |
|-------|---------|-------------------|
| GHE | ۹۸۰. | ۱/۰۲۰ |
| INF | ۸۷۵. | ۱/۱۴۳ |
| REVE | ۹۲۶. | ۱/۰۷۹ |
| UR | ۸۸۲. | ۱/۱۳۴ |
| CORR | ۹۸۳. | ۱/۰۱۷ |

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول ۲، از آنجایی که مقدار شاخص تلوانس برای هیچ یک از متغیرها نزدیک صفر نیست، لذا می‌توان بیان نمود که احتمال هم خطی بین متغیرها وجود ندارد و لذا هیچ متغیری از مدل حذف نمی‌شود.

بررسی فرضیه‌های تحقیق

به منظور آزمون تحقیق مبنی بر تأثیرگذاری گردش مالی بر ارزش سهام شرکت از مدل رگرسیونی به شکل زیر استفاده می‌شود.

$$\text{LAG} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{GHE} + \alpha_2 \text{INF} + \alpha_3 \text{REVE} + \alpha_4 \text{UR} + \alpha_5 \text{CORRUP} + \epsilon_{i,t}$$

در صورتی که ضریب α_1 معنادار باشد، نشان می‌دهد که صرف هزینه توسط دولت برای درمان بر وقهه مالیاتی تأثیرگذار است. در صورتی که ضریب α_2 معنادار باشد، نشان می‌دهد که تورم بر وقهه مالیاتی تأثیرگذار است. در صورتی که ضریب α_3 معنادار باشد، نشان می‌دهد که سطح درآمد دولت بر وقهه مالیاتی تأثیرگذار است. در صورتی که ضریب α_4 معنادار باشد، نشان می‌دهد که توسعه شهرنشینی بر وقهه مالیاتی تأثیرگذار است. در صورتی که ضریب α_5 معنادار باشد، نشان می‌دهد که فساد بر وقهه مالیاتی تأثیرگذار است. نتایج برآش مدل در ادامه نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج برآش مدل برای بررسی درستی فرضیات تحقیق

| متغیر | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعديل شده | اماره دوربین - واتسون | t آماره | معناداری |
|----------------------|------------|----------------------|-----------------------|----------|----------|
| GHE | ۱/۴۸۴۱۴- | ۰/۴۸۱۰۰۲ | ۳/۰۹۶۴۸۲- | ۰/۰۲۱۲ | ۰/۰۲۱۲ |
| INF | ۷۶/۸۷۸۲۲ | ۰/۰۲۷۵۳۳ | ۲۷۹۲/۱۹۶ | ۰/۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰۰ |
| REVE | ۰/۱۱۰۸۵۴- | ۰/۰۳۷۱۴۵ | ۲/۹۸۴۳۳۱- | ۰/۰۲۴۵ | ۰/۰۲۴۵ |
| UR | ۱/۲۳۹۱۱۶- | ۰/۰۲۷۳۷۲۸ | ۴/۵۲۶۸۱۴- | ۰/۰۰۴۰ | ۰/۰۰۴۰ |
| CORR | ۱/۷۳۵۵۶۲ | ۰/۰۳۴۱۵۱۱ | ۵/۰۸۲۰۰۹ | ۰/۰۰۱۰ | ۰/۰۰۱۰ |
| ضریب تعیین تعديل شده | ۰/۹۹۹۹۹۹ | ۰/۹۹۹۹۹۹ | اماوه دوربین - واتسون | ۲/۰۳۰۸۶۱ | ۲/۰۳۰۸۶۱ |

با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون فیشر کمتر از پنج درصد می‌باشد، فرض خطی بودن رابطه بین متغیرها تأیید می‌گردد.

ضریب تعیین محاسبه شده عدد ۰/۹۹ را نشان می‌دهد که برآش بالایی را از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل ارائه می‌کند.

یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاهای داشت و خطاهای با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین - واتسون به منظور

بررسی استقلال خطاهای از یکدیگر استفاده می‌شود که اگر مقدار آماره دوربین - واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاهای ردمی شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین - واتسون طبق جدول ۲/۰۳ می‌باشد و این عدد نشان می‌دهد که خطاهای از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاهای خود همبستگی وجود ندارد. مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر هزینه دولت برای درمان بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی منفی است و این امر نشان‌دهنده تأثیر منفی معنادار اثر هزینه دولت برای درمان بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر تورم بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی مثبت است و این امر نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار اثر تورم بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر توسعه شهرنشینی بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی منفی است و این امر نشان‌دهنده تأثیر منفی معنادار اثر توسعه شهرنشینی بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر فساد بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی مثبت است و این امر نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار اثر فساد بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر فساد بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی مثبت است و این امر نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار اثر فساد بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- با توجه به مشکل مالیات‌گریزی، مطالعات انجام شده در زمینه مالیات، به شناسایی عوامل مؤثر بر مالیات‌گریزی پرداختند. برخی مسائل فردی را در عدم پرداخت مالیات مؤثر دانستند و نشان دادند عواملی همچون عدم بهره‌وری شخصی مالی و عدم وجود تعهدات انسانی می‌تواند منجر به عدم پرداخت مالیات شود. برخی دیگر، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و روانی را به عنوان عوامل مؤثر بر مالیات‌گریزی می‌دانند. به طور خاص، این عوامل متغیرهای جمعیت‌شناسنگی، فرصت عدم تمکین (آموزش، سطح درآمد، منبع درآمد و شغل)، نگرش (رشد اخلاقی مالیات‌دهنگان و عادلانه بودن نظام مالیاتی) و ساختار نظام مالیاتی (پیچیدگی نظام مالیاتی، تماس با مقامات مالیاتی، تحریم، احتمال تشخیص و نرخ مالیات) را شامل می‌شوند. در این پژوهش، رویکرد جامع‌تری از اهمیت مالیات در نظر گرفته شد و به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر وقفه مالیاتی پرداخته شد.

- سطح درآمد بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

– با توجه به این مطلب که افزایش سطح درآمد می‌تواند تأثیری معکوس بر وقfe مالیاتی داشته باشد، پیشنهاد می‌شود دولت سطح درآمد افراد را مطابق با استانداردهای جامعه و نیازهای ضروری افراد تعیین کند و نیز مالیات گروههای کم درآمد را به حداقل برساند.

– توسعه شهری وقfe های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

– با توجه به این مطلب که توسعه شهرنشینی می‌تواند وقfe مالیاتی را کاهش دهد، می‌توان این گونه بیان نمود که به دلیل توسعه ارتباطات در شهرها و جمع‌آوری الکترونیکی اظهارنامه‌های مالیاتی، وقfe مالیاتی کمتر اتفاق می‌افتد. لذا دولت بایستی اقدامات لازم در زمینه توسعه ابزار الکترونیک در روستاهای در زمینه جمع‌آوری الکترونیکی اظهارنامه ها را انجام دهد.

– فساد اداری بر وقfe های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

– با توجه به این مطلب که گسترش فساد می‌تواند تمایل به عدم پرداخت مالیات را افزایش دهد، پیشنهاد می‌شود دولت در زمینه قانونگذاری‌های دقیق، برقراری عدالت در جامعه از نظر برابری در مقابل قانون، مبارزه با پولشویی، مبارزه با روش‌های اقتصادی از جامعه از نظر برابری در هر قشری از جامعه مطمئن باشد که خطای وی می‌تواند هزینه هنگفتی برای وی داشته باشد تا از فساد در سطح خرد و کلان پرهیز.

– کیفیت خدمات درمانی بر وقfe های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است. با توجه به تأثیر منفی کیفیت خدمات درمانی بر وقfe مالیاتی، دولت بایستی از مالیات بر درآمد پرداختی از افراد در راستای رفع نیازهای درمانی افراد جامعه استفاده کند تا افراد جامعه اشتیاق بالاتری به پرداخت مالیات داشته باشند.

– نرخ تورم بر وقfe های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

– با توجه به تأثیر مثبت و قوی تورم بر وقfe مالیاتی نساز است که دولت بر قیمت‌ها نظارت کافی و دقیق داشته باشد. دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در بخش تولید و کمک به مردم در زمینه رفع نیازهای اولیه‌شان با قیمت پایینتر از افزایش تورم جلوگیری کند.

همچنین با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و محدودیت‌های آن، پیشنهادهای زیر برای پژوهش بعدی پیشنهاد می‌شود:

– مطالعه تطبیقی در زمینه اقدامات انجام شده در ایران و سایر کشورها برای مبارزه با مالیات گزینی و تعیین نواقص موجود در ایران.

– ارزیابی سطح وقfe مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای عضو شورای خلیج فارس

– ارزیابی سطح وقfe مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای عضو D8

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشته است. بخشی از محدودیت‌های پژوهش حاضر از جامعه آماری سرچشمۀ می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به بی‌دقی اعضای نمونه در پاسخگویی به سؤال‌ها و انحصار مطالعه به سازمانی یا مکانی خاص اشاره کرد بعلاوه در این پژوهش برای سنجش وقته مالیاتی (LAG) از مدل بومی شده مبتنی بر پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۸۳) استفاده شد ممکن است با تغییر شاخص نتایج نیز تغییر کند.

فهرست منابع و مأخذ

- بحری ثالث، جمال، بهمنون، یعقوب و مددیزاده، ابراهیم. (۱۳۹۳). ویژگی‌های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه. *حسابداری مدیریت*، دوره ۷، شماره ۲۲، ۵۳-۶۷.
- رستمی، ولی؛ کتابی رودی، احمد. (۱۳۹۲). اختیارات و اقتدارات دستگاه مالیاتی؛ زمان و شیوه وصول مالیات (مطالعه موردی: دو کشور ایران و انگلستان). *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۵-۱۹.
- وکیلی فرد، حمیدرضا؛ نظرپور، محمود؛ عموری، مهدی. (۱۳۸۷). تأثیر انجام حسابرسی مالیاتی بر وقفه‌ی مالیاتی قانونی (مورد مطالعه: اداره کل امور مالیاتی مؤذین بزرگ). *فصلنامه مالیات*، دوره جدید، شماره اول، صص ۹۳-۱۲۰.
- هژبر کیانی، کامیز؛ محمدی، فردین. (۱۳۸۸). محاسبه نرخ‌های بهینه مالیات بر درآمد مشاغل و شرکت‌ها. *پژوهشنامه مالیات*، سال هفدهم، شماره ۶، صص ۶-۷.

- Abiola, J. , and Asiweh, M. (2012). Impact of tax administration on government revenue in a developing economy : A case study of Nigeria. *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 3, No. 8, pp. 99-113.
- Alabede, J. O. , Ariffin, Z. Z. , & Idris, K. M. (2011). Individual taxpayers' attitude and compliance behaviour in Nigeria: The moderating role of financial condition and risk preference. *Journal of Accounting and Taxation*, 3(5), 91-104.
- Allingham, M. G. and Sandmo, A. (1972) Income Tax Evasion: A Theoretical Analysis. *Journal of Public Economics* , 1, 323-338. [https://doi.org/10.1016/0047-2727\(72\)90010-2](https://doi.org/10.1016/0047-2727(72)90010-2)
- Becker, W. , Buchner, H. J. and Sleeking, S. (1987) The Impact of Public Transfer Expenditures on Tax Evasion: An Experimental Approach. *Journal of Public Economics* , 34, 243-252. [https://doi.org/10.1016/0047-2727\(87\)90022-3](https://doi.org/10.1016/0047-2727(87)90022-3)
- Brautigam, D. , Fjeldstad, O. H. , & Moore, M. (Eds.). (2008). *Taxation and state-building in developing countries: Capacity and consent*. Cambridge University Press.
- Brautigam, D. , Odd-Helge, F. , and Mick, M. (2008), *Taxation and state-building in developing countries: Capacity and consent*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Jain, A. K. , "Controlling Power and Politics", in Jain, A. K. (ed.), *The Political Economy of Corruption*, London, Routledge, 2001, p. 214.
- Kim, B. (2007). The influence of tax costs on accounting conservatism.
- Moore, D. A. (2008). Judgment in managerial decision making.

-
- ___ Neck, R. , Wachter, J. U. , & Schneider, F. (2011). Tax avoidance versus tax evasion: On some determinants of the shadow economy. Springer Science Business Media.
 - ___ Riihelä, M. , Sullström, R. , & Tuomala, M. (2010). Trends in top income shares in Finland. Top Incomes: A Global Perspective, 2.
 - ___ Saez, E. , & Stantcheva, S. (2016). Generalized social marginal welfare weights for optimal tax theory. American Economic Review, 106(1), 24-45.
 - ___ Tanzi, V. (2003). The underground economy. Finance and Development, 20(4), 10-13.
 - ___ Torgler, B. (2003) Tax Morale: Theory and Empirical Analysis of Tax Compliance. Dissertation, der Universität Basel, zur Erlangung der Wurde eines Doktors der Staatswissenschaften.

